

تاریخ وصول: ۸۶/۴/۲۰

تاریخ تأیید: ۸۶/۹/۱۱

بررسی زیبایی‌شناسی و تاثیر آن در تربیت اخلاقی

حیدر اسماعیل‌پور*

در این بین ارزش‌شناسی به عنوان یکی از مبانی فلسفی در کنار دیگر مبانی چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نقشی بس مهم و اساسی را در تربیت اخلاقی ایفا می‌کند؛ که در صورت تزلزل هر کدام از این مبانی و پایه‌ها ممکن است تربیت اخلاقی نتواند چنان که باید و شاید موثر افتد و مربی نتواند رسالت اخلاقی خود را به خوبی انجام دهد. به دلیل اهمیت موضوع ما نیز در پژوهش حاضر سعی کردیم ارزش‌شناسی و تاثیر آن بر تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت را مورد بحث قرار دهیم.

مقدمه و بیان مسئله

انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه حق است. او مستعد برخورداری از صفات و کمالات الهی و حقیقت انسان، حقیقتی ملکوتی است. او با طی مراتبی، قوس نزول را طی کرده و در این زمین خاکی قرار گرفته

چکیده: تربیت اخلاقی از کارکردهای مهم نظام آموزشی و از موضوعات پرچالشی است که از سوی متفکران همواره مهم بوده است و از آنجا که دیدگاه‌های فلسفی یکی از مبانی نظریه‌های تربیتی را تشکیل می‌دهد، ارزش‌شناسی دارای دو شاخه اخلاق و زیبای‌شناسی است در این مقاله به بحث و بررسی اراده خیر که یکی از بخش‌های اخلاق فلسفه کانت است پرداخته شده است. همچنین به تاثیر اراده خیر در تربیت به طور عام و تربیت اخلاقی به خصوص پرداخته شده است. کانت که از فیلسوفان بزرگ اخلاق است در زمینه اخلاق صاحب دیدگاه ویژه‌ای است.

از نظر کانت ارزش‌ها از سنخ مفاهیم حقیقی هستند؛ یعنی ارزش‌ها مانند امور و پدیده‌های دیگر وجود واقعی دارند و هر کسی به راحتی می‌تواند آن‌ها را درک کند. اراده خیر نیز به عنوان ارزش نقش مهمی در سلامت روانی، امنیت و تربیت اخلاقی متربی دارد. از دیدگاه کانت در صورت پذیرش اراده خیر به عنوان یک ارزش، انسان به صرف انسان بودن و فارغ از عوامل اجتماعی، اقتصادی،

طبقاتی، از کرامت و احترام ذاتی برخوردار است

دستیار علمی دانشگاه پیام نور، مرکز نیریز فارس.
نشانی اینترنتی: aydar5q2001@yahoo.com

پیامدهای منفی زیادی را در پی داشته باشند. " باید خاطر نشان کرد که معلمین، مربیان و والدین به نحو اجتناب ناپذیری با تربیت اخلاقی مواجه هستند و کار تربیت اخلاقی را حتی زمانی که ارزش‌های معینی در کار نباشد انجام می‌دهند، این گونه برنامه‌های آموزشی و اخلاق را تحت عنوان برنامه‌های درسی ناگفته و ناخواسته می‌نامند" (اسناری، ۱۹۹۲، ص ۱۴۵).

با توجه به این امر، هر چند یافتن دیدگاهی واحد در مورد ارزش‌ها کاری دشوار است، اما در طول تاریخ اندیشه‌های تربیتی، برخی از اندیشمندان دیدگاه‌هایی را بیان کرده‌اند که علی‌رغم وجود ارزش‌های ملی، دینی و قومی، به جنبه‌ای از ارزش‌ها پرداخته‌اند که جهانشمول و همگانی است. از جمله این شخصیت‌ها امانوئل کانت است.

دلیل عمده بررسی اندیشه‌های کانت در این تحقیق آن است که وی تحولاتی را در نظام معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی به وجود آورد. " در بحث معرفت‌شناسی به انتقاد از دیدگاه معروف تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی پرداخت.

تجربه‌گرایی که نمایندگان آن جان لاک و هیوم بودند حس را تنها وسیله کسب معرفت و شناخت می‌دانستند. دیدگاه عقل‌گرایی نیز که دکارت از جمله نمایندگان آن بود، اهمیت زیادی به عقل و مفاهیم آن در کسب معرفت می‌داد. کانت در واقع با ارائه دیدگاه خود معتقد است که عقل و حس هر کدام جایگاه ویژه‌ای در کسب معرفت دارند" (نقیب زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۸).

اما ارزش‌شناسی که موضوع این تحقیق است زمینه دیگری است که کانت بدان پرداخته است اهمیت وی به این دلیل است که ارزش‌ها را به صورت علم تعریف کرد. توضیح آن که اندیشمندان و مکتب‌های فلسفی در باب قضایای ارزشی نظرات گوناگون ابراز داشته‌اند. "گروهی قضایای ارزشی را به عنوان قضایایی که به ما

است و تنها با تربیت صحیح می‌تواند به حقیقت وجودی خویش برسد و متصف به والاترین کمالات شود و انسان بودن خویش را محقق سازد. از این روی، تربیت اخلاقی برای هر جامعه‌ای امری ضروری است و با تربیت خوب است که می‌توان ارزش‌های واقعی را ثبات و استحکام بخشید و ضد ارزش‌ها را که در بسیاری از جوامع سبب بحران‌های معنوی شده است، کم‌رنگ کرد. از این جهت پرورش فضایل اخلاقی یکی از مهمترین اهداف و رسالت پیام‌آوران و متفکران بوده است. در این بین ارزش‌شناسی به عنوان یکی از مبانی فلسفی در کنار دیگر مبانی چون هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی نقشی بس مهم و اساسی را در تربیت اخلاقی ایفا می‌کند، که در صورت تزلزل هر کدام از این مبانی و پایه‌ها ممکن است تربیت اخلاقی نتواند چنان که باید و شاید مؤثر افتد و مربی نتواند رسالت اخلاقی خود را به خوبی انجام دهد.

به دلیل اهمیت موضوع ما نیز در پژوهش حاضر سعی کردیم ارزش‌شناسی و تاثیر آن بر تربیت اخلاقی از دیدگاه کانت را مورد بحث قرار دهیم. بررسی ارزش‌ها در یک جامعه از امور مهم محسوب می‌شود. جوامع مختلف با توجه به دیدگاهی که نسبت به ارزش‌ها دارند، انسان را به گونه‌ای خاص تعریف می‌کنند، که نوع ارزش‌ها، تربیت را به طور عام و تربیت اخلاقی را به طور خاص تحت تاثیر قرار می‌دهد. امروزه با توجه به تغییرات گوناگون اجتماعی، سیاسی و همچنین تحولاتی که منجر به تزلزل ارزش‌ها شده، شناخت ارزش‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در بحث از تربیت اخلاقی و گسترش آن در یک جامعه، توجه به ارزش‌ها از چنان جایگاهی برخوردار است که در صورت عدم توجه به این امر، ممکن است تربیت اخلاقی بر پایه نظام ارزش‌های مشخص و دلخواه بنا نشده باشد و یا ارزش‌هایی پایه تربیت قرار گیرند که در دراز مدت

رفتار کلی انسان به دست آورد. عمل اخلاقی عملی است که بیشترین سود را برای بیشترین تعداد حاصل کند" (زیباکلام، ۱۳۷۸، ص ۲۱۹).

کانت بنا نهادن اخلاق را بر هر بنیادی نادرست می‌شمارد. هر چند این امر جستجوی سعادت باشد. به عبارتی تنها خود اخلاق و اراده نیک برای وی امری مطلق است. کانت برای روشن کردن ایده اخلاقی و خود قانون اخلاقی دو مفهوم ارج و بها را از یکدیگر تفکیک می‌کند. "در حوزه اهداف هر چیز یا بهایی دارد یا ارجی. آنگاه دارای بها است که بتوان چیزی را که هم بهای آن است جانشین آن کرد.

ولی آنچه برتر از هر گونه بهاست و از این رو نمی‌تواند هم بهایی داشته باشد، ارجمند است، تنها انسانیت است که دارای ارج است" (نقیب زاده، ۱۳۷۴، ص ۲۶۱). کانت با این توضیح اخلاق و انسانیت را از محدودیت‌ها و مرزهایی که بر پایه منافع شخصی و طبقه‌ای مانند نظام‌های سرمایه‌داری و مارکسیسم تعریف می‌شوند، نجات داد و جایگاه با ارزشی بدان بخشید.

تربیت در نظر کانت اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. کانت معتقد است: "بشر تنها با تعلیم و تربیت آدم تواند شد و آدمی چیزی جز آنچه تربیت از او می‌سازد نیست" (شکوهی، ۱۳۷۲، ص ۴). همچنین کانت معتقد است بالاترین مرحله در آموزش و پرورش تربیت اخلاقی است. کانت سه مرحله برای آموزش و پرورش در نظر می‌گیرد. الف: مرحله انضباط‌پذیری، ب: برخورداری از فرهنگ، ج: آموزش تربیت اخلاقی" (نقیب زاده، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶).

"در تربیت اخلاقی بزرگی بشر بسته به قدرت اخلاقی اوست که به سرنوشت بشر معنا می‌بخشد. ذات اخلاقی بشر کانت را به آینده امیدوار می‌سازد.

وی فکر می‌کند که سرانجام دستورهای اخلاقی نه تنها در مذهب بلکه در روابط سیاسی و بین‌المللی رواج خواهد یافت" (زیباکلام، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳).

دانشی می‌دهند قبول ندارند و معتقدند این نوع قضایا معرفت بخش نیستند. از این دسته می‌توان به اثبات گرایان اشاره کرد که آن‌ها معتقدند گزاره‌های ارزشی بار معرفتی ندارند، بلکه حاکی از احساسات درونی افرادند. از سوی دیگر علم با واقعیت سرو کار دارد. گزاره‌های علمی واقعیت هستند. اثبات گرایان ارزش‌ها را به عنوان یک علم قبول ندارند، بلکه معتقدند این‌گونه قضایا ساختار راستگو دارند (باقری، ۱۳۸۲، ص ۲۳).

از وجوه دیگر اهمیت کانت تأکید بر مطلق بودن تکلیف اخلاقی به عنوان یک امر ارزشی است. امری که اندیشمندان مسلمان و دینی ما به گونه‌ای مشابه به آن اشاره کرده‌اند و به پیامدهای نقطه مقابل آن یعنی نسبت‌گرایی هشدار داده‌اند.

"مراد از مطلق‌گرایی اخلاقی، پای فشردن بر این باور است که اصول و گزاره‌های اخلاقی وابسته به هیچ امر خارج از ذات موضوعات اخلاقی نیستند. از پیامدهای نسبت‌گرایی می‌توان به نفی کمال و جاودانگی دین، سلب مسؤولیت و بی‌ثمری احکام اخلاقی اشاره کرد" (مطهری، ۱۳۵۸، ص ۱۱۲). کانت از مفهوم نامشروط بودن به مفهوم تکلیف اخلاقی می‌رسد. فقط تکلیف اخلاقی است که از هرگونه شرطی آزاد است.

"همه فرمان‌ها را می‌توان به قضیه‌های شرطی برگرداند. یعنی می‌توان نشان داد که بنیاد هر فرمانی دست یافتن به قسمی چیزها و نتیجه‌ها و دورماندن از چیزها و نتیجه‌های دیگر است. تنها تکلیف اخلاقی امری نامشروط است" (نقیب زاده، ۱۳۷۴، ص ۲۶۴). دیدگاه‌هایی وجود دارند که برای عمل اخلاقی هدفی بیرون از آن در نظر می‌گیرند و با توجه به اهداف و منافع خود تعریف خاصی از تربیت اخلاقی دارند. "در سودگرایی اصل کلی بر آن است که انسان موجودی خود محور است. تنها هدف وی در زندگی پرهیز از درد و کسب لذت است. از همین اصل ساده می‌توان معیار اخلاقی برای

به غایت جدی و با اهمیت است. امری که در تعلیم و تربیت معاصر توجه لازم به آن نمی‌شود. سازندگی اخلاقی افراد یکی از ثمرات اساسی تعلیم و تربیت و بلکه مهمترین ثمره تربیت به شمار می‌آید. به سخن کوتاه هر کجا انسانیت و انسان ارجی داشته باشد، تربیت اخلاقی مورد توجه قرار می‌گیرد. سانگ هون لی نیز ارزش‌ها را از همان مراحل اولیه رشد کودکی مورد توجه قرار داده است.

"تحولات ارزشی تأثیر زیادی بر ذهن و در نوع تربیت اخلاقی کودکان دارد. با شناخت ارزش‌ها می‌توان از نوع تأثیرات آن بر ذهن و احساسات فرد اطلاع پیدا کرد. در تاریخ فلسفه راجع به ارزش‌شناسی یک نکته مثبت وجود داشته است. نکته جالب آن است که همان‌گونه که کودک رشدش ادامه می‌یابد، سوالاتی از خود می‌پرسد. سوالاتی مانند: چرا ما این کار را انجام می‌دهیم؟ چرا ما این کار را باید انجام دهیم؟" (لی، ۲۰۰۴، ص ۳).

"در کشور ما علی‌رغم این که سالیانی است تربیت اخلاقی به ظاهر مورد توجه بوده است، اما نتیجه حاصل از این تلاش‌ها چندان ملموس نیست. حتی می‌توان گفت در این زمینه، رشد و پیشرفت محسوسی نداشته‌ایم. یکی از عوامل این توفیق آن است که تربیت اخلاقی بر یک نظریه مدلل استوار نبوده است و به همین سبب در عرصه عمل تربیتی، بر روش‌های سنتی و قدیمی تأکید دارد (سادبی، ۱۳۵۹، ص ۳۷). لذا به نظر نگارنده علی‌رغم توجه و عنایت به متخلق نمودن فرزندانمان به فضیلت‌های اخلاقی و بروز رفتار اخلاقی، چون بنیاد نظری مناسب و متناسب با شرایط جامعه امروز فراهم نشده است، نتوانسته‌ایم در عرصه عمل به شیوه سنجیده اقدام نماییم و این در حالی است که در آثار علمی و فلسفی افرادی چون کانت پیشینه‌ای در زمینه فلسفه اخلاق و ارزش‌ها موجود است که مستعد

بدون تردید رسیدن به سعادت انسانی، بدون اصلاح و سازندگی اخلاقی امری غیر ممکن خواهد بود. انسان در صورتی که بر علوم طبیعی اشراف کامل پیدا کند و کلیه عوامل طبیعت را به تسخیر خویش درآورد ولی از پرورش ارزش‌های اخلاقی در خود غفلت نماید، هرگز به کمال نخواهد رسید. متأسفانه در عصر حاضر با وجود پیشرفت‌های سریع علم و فناوری، به دلیل غرق شدن انسان در امور مادی و دور شدن از اخلاق و معنویت روز به روز میزان مشکلات، گرفتاری‌ها، فساد و تباهی، ظلم و زور در جهان افزایش یافته است. رواج احساس پوچی و بی‌هدفی و ابتلا به افسردگی تا اندازه‌ای ناشی از فراموش کردن ارزش‌های انسانی و اعتقادات است

"بشر کنونی در قرن بیست و یکم با بحران‌های متفاوتی رو به روست. بحران بی‌هویتی، بحران ارزش‌ها، بحران در انتخاب هدف، بحران در تربیت دینی و از همه این‌ها مصیبت‌بارتر بحران در تربیت اخلاقی و دینی در قالب حس مذهبی و نیاز به خداجویی اوست" (سادبی، ۱۳۷۹، ص ۳۵). بنابراین امروزه تأکید بر فضایل اخلاقی و بیان نتایج و اثرات رشد این فضایل در انسان و به کارگیری روش‌های تربیت اخلاقی امری مهم و ضروری است. راجع به اهمیت تربیت اخلاقی اندیشمندان زیادی تأکید کرده‌اند.

"ادبیات تربیت اخلاقی بسیار گسترده است. به طوری که تمام قسمت‌های یک مجله حتماً بحثی را به تربیت اخلاقی اختصاص می‌دهند که به همان میزان که شامل تربیت اخلاقی نظری است، بعد عملی آن را نیز در برمی‌گیرد" (کریستفر وینچ، ۱۹۹۹، ص ۱۲۴).

همچنین نلراصولاً تعلیم و تربیت را اقدامی اخلاقی دانسته و رسالت اخلاقی تعلیم و تربیت را ایجاد شرایط مناسب آموزشی و پرورشی جهت بهزیستی نسل‌های آینده می‌داند" (نلر، بازرگان، ۱۳۷۷، ص ۳۹). بنابراین تربیت اخلاقی و معنوی انسان که برنامه‌سازی است امری

می‌کند در راستای تحقق بخشیدن به ذات و صیانت فرد می‌باشد. تجلی این امر را می‌توان در چند قانون که وی مطرح می‌کند، مشاهده کرد. از جمله: چنان رفتار کن که بتوانی بخواهی رفتار تو به صورت یک اصل همگانی درآید. یا چنان رفتار کن که دیگران در نظر تو چون هدف و نه فقط وسیله‌ای تنها درآیند.

"کانت امر مطلق را در صورت‌بندی‌های متعددی ذکر می‌کند. نخستین صورت آن مطابق آئینی رفتار کن که بتوانی اراده کنی آن آیین، قانون کلی گردد. در اینجا مطابقت با قانون کلی یاد آور مفهوم اراده کلی روسو است. کانت نظریه روسو درباره اراده کلی را به عنوان اراده خیر مورد تحقیق قرار داده است. روسو معتقد بود که فرد در جامعه موجودی اخلاقی و برخوردار از اراده است. این اراده کلی همیشه به بقا و بهروزی کل و اجزاء آن گرایش دارد و برای کلیه افراد کشور به منزله معیار تشخیص حق و باطل است" (فولادوند، ۱۳۸۰، ص ۳۸). کانت در اینجا صورت دیگر عرضه کردن اخلاق را عنوان کرده است و برای اولین بار مفهوم یک غایت به عنوان مبنای خود سامانی اراده را وارد نظریه اخلاقی‌اش می‌کند. به نظر کانت غایات یا ذهنی‌اند یا عینی. غایات ذهنی چیزهایی هستند که خواهان آن هستیم. آن‌ها امور شرطی هستند. غایات عینی چیزهایی هستند که موجودات خردمند باید طلب نمایند و اموری قطعی‌اند. پس آیا چیزی وجود دارد که وجود و ارزش مطلق دارد و غایت فی‌نفسه است؟ تنها این منشأ امر قطعی خواهد بود. کانت انسان و هر موجود خردمند را به طور کلی دارای چنین غایتی می‌داند. به نظر کانت ما همواره به دنبال غایات وابسته به تمایلاتمان هستیم و نمی‌توان معلوم کرد که چگونه به عنوان موجود عاقل از امر مطلق تبعیت می‌کنیم. به نظر کانت مشکل این گونه حل می‌شود که اگر فرض کنیم چیزی وجود دارد که با لذات دارای ارزش مطلق باشد و به عنوان غایات بالذات اساس

توسعه و تعمیق و گسترش می‌باشد به گونه‌ای که بتواند کمبودهای موجود را جبران کند.

اراده خیر از دیدگاه کانت

اولین قدم در اخلاق کانت این است که خیر مطلق را شناسایی کنیم. امور خیر یا اشیاء خوب بسیار است، مثلاً ثروت یا مقام یا صنعت و فضایی از قبیل شجاعت. اما هیچ یک از این‌ها خیر مطلق نیست. همه نسبت به چیزی یا در یک مورد خاصی خیرند. بنابراین مشروط و مقیدند. مثلاً از شجاعت می‌توان برای غایات شر و باطل استفاده کرد. پس شجاعت خیر مطلق نیست. یا ثروت را ممکن است در ایده باطل هم به کار انداخت. تنها منش و اراده نیک است که همیشه بی‌قید و شرط خوب است. کانت در تأیید این مدعا یادآوری می‌کند که هر چیز دیگری که در نظر ما خوب باشد اعم از سلامت تن و روان، ممکن است به طریقی خلاف اخلاق مورد استفاده قرار گیرد، حتی سعادت ممکن است شخص را وسوسه کند که بر خلاف اخلاق بی‌احتیاط عمل کند.

کانت در پاسخ به این سؤال که چه چیزی سبب می‌شود شخص اخلاقاً خوب باشد، متذکر می‌شود: "منشی که مطابق اخلاق نیکو باشد، در ذات خود نیکویی را به همراه دارد. یعنی صرفاً از آن جهت که چنین است، در نفس خویش نیکوست، نه فقط از حیث رسیدن به چیزی دیگر" (صناعی، ۱۳۷۷، ص ۶۵).

حال این سؤال مطرح است که اراده خیر چیست و چگونه قابل شناسایی است؟

"کانت معتقد است اراده خیر اراده‌ای است که برای ادای تکلیف عمل می‌کند. اگر اراده‌ای برای ادای تکلیف، طبق یک قانون اخلاقی عمل کند خیر است و می‌توان آن را خیر مطلق نامید" (همان، ص ۱۳۵).

کلیدی‌ترین واژه‌ای که کانت در این مورد استفاده کرده همان خود فرد یا نفس وی است و قوانینی که مطرح

قانون اخلاق تبعیت می‌کند و برای خود نیز قانون وضع می‌کند هم تابع و هم واضع قوانین خودش است. این اصل خودآیینی اراده است.

کانت در کتاب "نقد عقل عملی" چند نظریه اخلاقی را که مبتنی بر دیگرآیینی است می‌آورد، از جمله مونتینی که قائل است تعلیم و تربیت اصول اخلاق را تعیین می‌کند. مندویل که اصول اخلاق را بر مبنای نظام قوانین، اپیکور بر لذات جسمانی، هاجسن بر عواطف اخلاقی، ولف بر تصور کمال درونی کروسیوس و متکلمان بر مشیت الهی قرار داده‌اند. به نظر کانت هیچ یک از این نظریات قادر نیست که اصول اعلاقی اخلاق را تعیین کنند.

با توجه به این مقدمات در باب خود آیینی معلوم می‌شود که امر مطلق حاوی خود آیینی است. یعنی امر مطلق خودمختاری اراده را نشان دهد. از این رو کانت صورت سوم اصل اخلاق را چنین بیان می‌کند.

"چنان عمل کن که اراده بتواند در عین حال، خود را از راه آئین‌های رفتارش واضع قوانین عام بداند" (عنایت، ۱۳۶۸، ص ۸۲).

اراده خیر به عنوان هدف تربیت اخلاقی

از جمله مهمترین مؤلفه‌ای که کانت در مبحث اخلاق مورد بررسی و تأمل قرار داده، مفهوم خیر است. وی خیر را به عنوان امری مطلق در نظر گیرد و توجه زیادی به اراده و منش نیک دارد. او اراده خیر را در کتاب عقل عملی به تفصیل مورد بررسی قرار داده است. وی اعتقاد دارد: "تمام کارهای انسان در راستای نتیجه‌ای و به امید هدفی خارج از آن انجام می‌گیرد که امری شرطی‌اند الا خیر که امری مطلق و به خاطر خود آن صورت می‌گیرد" (نقیب زاده، ۱۳۷۴، ص ۲۶۴). به عنوان مثال من درس می‌خوانم تا در کنکور موفق شوم که در اینجا هدف از درس خواندن موفقیت در کنکور است. در

امر مطلق قرار می‌گیرد، قانون ناظر بر عمل آن خواهد بود. یعنی غایت بالذات وجود دارد و وابسته به تمایل نیست. وی صورت دوم اصل اخلاق را چنین عنوان می‌کند:

"چنان رفتار کن تا بشریت را در شخص خود و در شخص دیگری همیشه به عنوان یک غایت به شمارآوری و نه هرگز تنها چون وسیله‌ای" (عنایت، ۱۳۶۸، ص ۷۴). آنچه کانت بر آن تأکید می‌ورزد این است که وقتی دیگران را چون وسیله‌ای برای انجام هدف خود قرار می‌دهیم، بایستی به حقوق و منافع آنها نیز توجه داشته باشیم، یعنی هرگز آنها را فقط به عنوان وسیله تلقی نکنند.

"انسان باید در همه کردارهای مربوط به خود و دیگر موجودات عاقل همواره هدف تلقی شود، بر این پایه است که همه چیزهایی که با اعمال ما بدست می‌آید همیشه مشروط‌اند و موجوداتی که فقط وسیله‌اند و تنها دارای ارزش نسبی هستند، آنها را اشیا می‌نامند. موجودات عاقل "اشخاص" نام دارند و هدف‌های عینی‌اند. یعنی چیزهایی که هستی آنها فی‌نفسه و به خودی خود غایت است" (خراسانی، ۱۳۷۶، ص ۳۳۴).

"این اصل که انسانیت هر ذات خردمندی غایت فی‌نفسه است از تجربه گرفته نمی‌شود، زیرا امری کلی است، یعنی برای همه ذات‌های خردمند معتبر است و تجربه چیزی را درباره آن معین نمی‌کند و دیگر این که غایتی عینی است و به عنوان قانون باید برترین شرط محدودکننده همه غایات ذهنی باشد. پس غایت بودن انسان و عدم تلقی آنها به عنوان وسیله دلالت بر این مفهوم دارد که اراده هر موجود عاقل قانون کلی ایجاد می‌کند" (بزرگمهر، ۱۳۶۰، ص ۹۲۹).

به نظر کانت، اراده منشأ قانونی است که به نحو کلی و عام الزام‌آور است. وی در اینجا اصل خودآیینی اراده و دیگرآیینی اراده را مطرح می‌کند. موجود عاقلی که از

شرایط آن چنانی اجرایی بودن آن‌ها را تضمین کرد. در حالی که ارزشی چون لذت نیاز به شرایط و امکاناتی دارد که ممکن است همیشه نتوان این شرایط را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

کانت در کتاب نقد قوه حکم به بحث ارزش زیبایی‌شناسی پرداخته و نظرات وی در مورد اخلاق و خیر در کتاب نقد عقل عملی به تفصیل آمده است. ایشان قضایا را به دو دسته ترکیبی پیشینی و تحلیلی پیشینی تقسیم می‌نماید. قضایای ترکیبی پیشینی قضایایی هستند که علاوه بر این که در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها صادقند و از شمول جهانی برخوردارند، از طریق تجربه نیز به دست می‌آیند و دانش جدیدی نیز به ما می‌دهند.

دستهٔ دیگر قضایای تحلیلی پیشینی می‌باشند. اینها در واقع از تحلیل محمول بدست می‌آیند، هر چند در تمام مکان‌ها و زمان‌ها صادقند اما تجربه در آن‌ها دخیل نیست و دانش جدید به ما ارائه نمی‌دهند.

براساس نظریهٔ قضایای کانت، احکام تحلیلی پیشینی اموری هستند که در تمام مکان‌ها و زمان‌ها صادقند، ولی دانش جدیدی به ما نمی‌دهند. لذا در روابط ما محلی از اعراب ندارند. از آنجا که نیازهای افراد در جوامع مختلف، متغیر می‌باشند در نتیجه قضایای تحلیلی پیشینی جوابگو نیست. شواهد و دلایل کافی نشان می‌دهد که هدف کانت از طرح این گونه قضایا پاسخ به طرفداران نسبت معرفت و اثبات ثبات و جاودانگی امور ارزشی بوده تا با این نظر طرحی نو در اندازد. در واقع خاستگاه این نظریه مبحث معرفت‌شناسی است که از اساسی‌ترین مباحث فلسفه می‌باشد. کانت در کتاب تمهیدات به بررسی قضایا می‌پردازد تا از نظر فلسفی و روان‌شناختی چگونگی پیدایش این گونه قضایا را مورد ارزیابی قرار دهد. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، تربیت

حالی که عمل خیر به خاطر ارزش ذاتی این عمل انجام می‌گیرد. چنان می‌نماید که خیر به عنوان امری مطلق منجر به احترامی بس شگرف به شخصیت انسان و کرامت وی می‌شود. با توجه به این امر خیر به عنوان یک ارزش معنای وسیعی در تعلیم و تربیت می‌یابد. منش افراد در هر شرایطی از تولد تا مرگ و در دوره‌های مختلف نوزادی، کودکی، دبستان، راهنمایی، دبیرستان و همچنین مقاطع بالاتر مورد احترام است. برخورد مربی با مرتبی نه از روی تعصب و خودخواهی، بلکه به خاطر احترام به فرد و رعایت کرامت انسانی صورت می‌گیرد. مربی دیگر هیچ توجیهی برای نادیده گرفتن این ارزش نخواهد داشت و ارادهٔ خیر به عنوان امری مطرح می‌شود که تمام مرزهای نژادی، قومی و ملی را در می‌نوردد و نسیم روح بخش آن شامهٔ هر انسانی را عطرآگین می‌کند.

مبدأ خیر را چنان که در نحله‌های اپیکور، رواقیون و کلیون ملاحظه نمودیم به ترتیب لذت، آرامش و سادگی بود. از جمله اشکالاتی که بر این دیدگاه‌ها وارد است، این است که توافق اندکی بر سر خود این مفاهیم وجود دارد. مثلاً در مورد این امر که لذت چیست؟ نظرات مختلف است. ممکن است یک نفر لذت را داشتن حداقل امکانات زندگی بداند، در حالی که دیگری با وجود فراهم آمدن بهترین امکانات باز هم احساس لذت را در خود نیابد. در حالی که هنگامی که از خیر و احترام به اشخاص سخن می‌گوییم، منظورمان این نیست که فلان شخص را باید محترم شمرد، دیگری را نه، به عبارتی هر کس در هر شرایطی از احترام برخوردار خواهد بود. مطمئناً یکی از شرایط تحقق اهداف و ارزش‌ها سادگی اصول و دسترسی به امکاناتی است که به سادگی بتوان آن‌ها را اجراء نمود. در مورد خیر این امر صادق است، چنان که در مدرسه، خانه، محله و... می‌توان بدون هیچ مقدمه و فراهم آوردن

طور عام و تربیت اخلاقی به صورتی خاص و ویژه قرار گیرند. ارزش دیگر اراده خیر است. اراده خیر و گسترش آن به عنوان محتوایی در تعلیم و تربیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تمام تلاش یک سیستم تعلیم و تربیت باید در جهت ارتقاء و تعالی اراده خیر باشد. این کار بوسیله مواد درسی و نوشته‌هایی که دانش‌آموز و مربی با آن‌ها سر و کار دارد، قابل انتقال است. چنان که می‌دانیم تعلیم به عنوان یک مفهوم که بر انتقال اطلاعات تأکید می‌کند و تربیت که بر تکوین خصوصیات ویژه تأکید می‌کند، هر دو با یکدیگر اتفاق می‌افتند. لذا محتوای تمام دروسی که ارائه می‌شوند باید بر اراده خیر تأکید کنند. در نتیجه معلم نه تنها از طریق دروسی چون اخلاق یا بینش بر اراده خیر تأکید می‌کند، همچنین در ضمن تدریس مواد درسی چون فیزیک، شیمی و... نیز باید به تبیین و تأکید اراده خیر بپردازد. به عبارتی انتقال ارزش‌ها و اشاعه آن در محیط‌های آموزشی فقط وظیفه معلمان بینش و اخلاق نیست، بلکه در رشته‌های دیگر مانند فیزیک و شیمی معلم می‌تواند ضمن توضیح و بیان مطالب و مفاهیمی که مخصوص آن رشته علمی است، ارزش‌هایی مانند راستگویی، درستکاری، دوستی و احترام به دانش‌آموزان را نیز با کردار خود به دانش‌آموزان نشان دهد.

با اندک نگاهی به سیستم‌های آموزشی می‌توان به این نتیجه رسید که بخش عمده‌ای از فعالیت‌های آنان باید در جهت تکامل، تعالی و کرامت انسان باشد. اگر به دقت ملاحظه کنیم در خواهیم یافت مفاهیم دیگری چون برابری، آزادی، دوستی و... باید در راستای پرورش و تکوین منش باشند، اگر جز این باشد، مطمئناً کار لغو و بیهوده‌ای انجام گرفته است. به وضوح ملاحظه می‌کنیم که بسیاری از فعالیت‌های آموزش و پرورش بدون پشتوانه قوی که همانا احترام به انسان است در حال شکل گرفتن است. شاید دست اندرکاران تعلیم و تربیت

اخلاقی از دیدگاه کانت دارای رویکردی مطلق‌گرا می‌باشد. البته لازم به ذکر است این نوع مطلق‌گرایی با مطلق‌گرایی که در نظرات افرادی چون علامه طباطبایی وجود دارد، متفاوت می‌باشد. در نظریه علامه فرد باید به نتیجه عمل توجه کند، در حالی که در نظریه کانت فرد باید همواره باید به تکلیف و اصول اخلاقی جهانشمول عمل کند. به عبارتی انجام عمل مهمتر از نتیجه آن است. کانت معتقد است، هر چند خداوند انسان را نیک آفریده، اما میلی در وی به جهت بدی وجود دارد. کانت اعتقاد دارد خوبی و نیکی امری ذاتی است.

بسیاری از ارزش‌های اخلاقی که کانت بر آنها تأکید کرده ارزش‌های اخلاقی هستند که در رابطه با اجتماع مطرح می‌شوند. هر چند که تمام این اعمال اجتماعی در نهایت رشد و شکوفایی اراده خیر و منش نیکو را به دنبال دارد. نیکوکاری و نیکخواهی از مهمترین ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه کانت است که دارای دو بعد فردی و اجتماعی است. نیکی کردن فردی آن است که فرد همواره حقوق خود را بداند، از قوانین جهت تکوین منش و اراده نیک خود استفاده کند و نیکی اجتماعی این است که خیرخواهی و احترام به دیگران را مد نظر داشته باشیم.

کانت در مسائل اخلاقی به اموری توجه دارد که جنبه اجتماعی دارد و در اجرای آن‌ها باید عدالت نسبت به دیگران را مدنظر قرار داد. این مسائل عبارتند از احترام به حقوق دیگران، نیکخواهی و نظایر آن، یعنی افراد باید نسبت به یکدیگر احسان و نیکوکاری داشته باشند. کانت انجام تکلیف را یکی از اموری می‌داند که نخستین روزهای تشکیل اجتماع اعتبار آن تصدیق شده است. راستگویی، وفای به عهد و دوستی از دیگر ارزش‌های اخلاقی است که کانت برانجام دادن آن تأکید دارد. همان‌گونه که بحث شد دو نوع ارزش‌زیبایی‌شناسی و اراده خیر می‌توانند به عنوان محتوی تعلیم و تربیت به

زیبایی‌شناسی و اراده خیر به عنوان دو نوع ارزش ذاتی و مطلق ارتباطی از نوع عرضی دارند. به عبارت دیگر زیبایی که امری ذاتی است در جهت تکوین اراده نیکو مورد استفاده قرار می‌گیرد و بالعکس اراده خیر نیز شناخت زیبایی و گسترش آن را در میان افراد به ذهن متبادر می‌کند. اگر دقت کنیم اراده خیر را کانت بیشتر در حوزه نوع انسان و روابطی که بین آن‌ها شکل می‌گیرد تعریف می‌کند. در حالی که زیبایی نوعی امری ذاتی است که گویی در حوزه‌های طبیعت و اجتماع وجود دارد. به عبارت دیگر حوزه آن شامل جمادات، حیوانات و انسان است.

پیشنهاد می‌شود گروه‌های جمعی چون نمایش، تئاتر، سرود و همچنین بازی‌هایی چون فوتبال، دو و تنیس تشکیل شود تا در ضمن فعالیت‌های گروهی بتوان ضمن تشکیل این گروه‌ها، مفهوم احترام افراد به یکدیگر را آموزش داد. مثلاً در ضمن بازی یا اجرای نمایش ممکن است فردی به خاطر احترام به دوست خود، از شرکت در بازی و ایفای نقش در نمایش خودداری کند و این نقش را به دوست خود بدهد و بدین طریق نشان دهد که احترام و کرامت انسان برای وی اهمیت زیادی دارد.

منابع

- باقری، خسرو (۱۳۷۹)، *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*، تهران انتشارات مدرسه؛
- باقری، خسرو (۱۳۸۲)، *هویت علم دین*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛
- دورانت، ویلیام جیمز (۱۸۸۵)، *تاریخ فلسفه*، مترجم جلال‌الدین مجتبیوی (۱۳۶۸)، تهران؛
- راجرز، سالیوان (۱۹۸۴)، *اخلاق در فلسفه کانت*، عزت‌ا... فولادوند (۱۳۸۰)، تهران انتشارات طرح نو؛
- زیا کلام، فاطمه (۱۳۷۸)، *سیر اندیشه فلسفی در غرب*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛
- سادبی، محمد (۱۳۷۹)، *آسیب‌شناسی و آسیب‌پذیری دینی و مذهبی نسل نو*،

کمتر از خود این سؤال را بپرسند که آیا واقعاً در پس این تبلیغات در یک سیستم تعلیم و تربیت مقصود چیست؟ به راستی آیا هدف از تعلیم و تربیت در معنای وسیع آن ارزشی غیر از کرامت انسان دارد؟ در این نوع نگاه، کودک شوقی وافر به کسب آموزش و دانش خواهد داشت. هنگامی که در محیط خانه، مدرسه و اجتماع مشغول فکر کردن و یا بیان ایده‌های خود به صورت عملی در زندگی است، از این که مورد احترام قرار خواهد گرفت و شخصیت وی بر اثر خودخواهی‌های دیگران و تعصبات آن‌ها در معرض آسیب قرار نخواهد گرفت، کرامت و عزت را در خود احساس خواهد کرد. اگر کودک در مدرسه بتواند احترام را احساس کند و دستان نوازش‌گر معلم یا سخنان گرم و محبت‌آمیز وی، در این میان نقش خود را به خوبی ایفا کنند، کودک محیط مدرسه یا هر محیط یادگیری را به عنوان جایی که در آن آرامش برقرار است، درک خواهد کرد و به نسبت دریافت احترام به انتقال آن در محیط‌های دیگر چون جامعه و اعضای خانواده چون پدر، مادر، برادر و خواهر مبادرت خواهد کرد.

در مورد زیبایی نیز می‌توان به عنوان یک هدف نه در یک درس خاص چون علوم که شامل زیبایی‌های طبیعت است، بلکه در دروس دینی که با احساسات و عواطف اخلاقی سروکار داریم و در درس تعلیمات اجتماعی که به نوعی زیبایی‌هایی معنوی در ارتباط افراد با یکدیگر مطرح است، پرداخت. در مورد زیبایی‌شناسی و اراده خیر از دو نوع ارتباط می‌توان سخن گفت. یک نوع ارتباط طولی و دیگری از نوع ارتباط عرضی. در مورد اول تمام اهداف تربیت اخلاقی در جهت رسیدن به اراده خیرند. به عبارت دیگر اهدافی چون، برابری، آزادی، نیک‌خواهی در نهایت در جهت تحکیم احترام به منش و اراده نیکو قرار دارند و در واقع وسیله‌ای بیش نیستند. پس این نوع ارتباط، طولی است. اما

- قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه؛
 سرمد، زهره و دیگران (۱۳۸۰)، روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران،
 مؤسسه انتشارات آگاه؛
 شکوهی، غلامحسین (۱۳۷۷)، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد،
 انتشارات آستان قدس رضوی؛
 صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۶۸)، فلسفه اخلاق در تفکر غرب، تهران،
 انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، رشته فلسفه غرب؛
 صانعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۷۷)، فلسفه اخلاق و مبانی رفتار، تهران، انتشارات
 نقش و نگار؛
 فریدریک چالز، کاپلستون (۱۹۰۷)، تاریخ فلسفه، منوچهر بزرگمهر (۱۳۶۲)،
 تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی؛
- کانت، امانوئل (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، بنیاد مابعدالطبیعه اخلاق و گفتاری در حکمت و
 کردار، ترجمه حمید عنایت (۱۳۶۹)، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی؛
 کانت، امانوئل (۱۷۲۴-۱۸۰۴)، تعلیم و تربیت، غلامحسین شکوهی (۱۳۷۲)،
 تهران، انتشارات دانشگاه تهران؛
 مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات الزهراء؛
 نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۷۴)، فلسفه کانت. تهران، مؤسسه انتشارات
 آگاه؛
 نقیب زاده، میر عبدالحسین (۱۳۸۱)، نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش، تهران،
 انتشارات طهوری؛
 نلر.جی. اف (۱۹۷۱)، آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون
 بازرگان دیلمقانی (۱۳۷۷)، تهران، انتشارات سمت؛

Volume (3) in the philosophy of Winch, Christopher. (1999),
 Key concept's education, London and New York ;
Winch, Christofer (1999), Key concept, in the
 philosophy of education, London and New York ■

Le Sang Hune (2004), Unification thought the clearing
 house. Washengton. vol. 46. Iss. 5pg. 297. www / Parents.
 org / Library / Unification / Book /ut/ 2-3-htm;
Snary, John (1992), Moral Education. Encyclopedia of
 Educationa Research(sixth edition).edited by Alkin.